

عشق من

پریدخت رویاهایم

میخواهم این بار برایت از تاریخ بنویسم

از تاریخی که به درازای هزاران سال تکراری بیش نبود

از گذر سال ها و ماه ها و روزها

از گاه شمارهایی بی معنا

هزاره ها و قرن ها سپری شدند

تا دست گیتی به لحظه موعود رسد

لحظه ای خاص برای رویدادی آسمانی

عالم خودش را آماده کرد

تا با قبای سبز بهار به استقبال آید

جهان از اشتیاق حرارت تابستان گرفت

گویی دنیا خودش را مهیا کرده بود

مهیای آمدن پری آسمانی

فرشته ای ماورایی

تا پاکی و مهربانی تو دنیا را زیبا کند

دختری که هر بار قلبم از نوشتن برایش

به شور و تپش عشق جان می گیرد

می نویسم تا بدانی این عشق دیرینه در قلبم

پایانی ندارد و کهنگی نمی گیرد

پس آری تو را می گویم

که در ذهن و قلب و وجود من

تولدت نقطه عطف تاریخ است

به درازای تاریخ ابدی دوست دارم

و عاشقانه می گویم

برای ساختن حس خوشبختی در قلب مهربانت

همواره در کنارت عشق بی پایانم را

به تو ببخشم

فرشته زندگیم کیمیای قلبم تولدت مبارک

